



و اگر آواز یهوه خدای خود را به دقت
بشنوی تا هوشیار شده، تمامی اوامر او را
که من امروز به تو امر می فرمایم به جا
آوری، آن گاه یهوه خدایت تو را بر جمیع
امتهای جهان بلند خواهد گردانید. و تمامی
این برکت ها به تو خواهد رسید و تو را
خواهد دریافت، اگر آواز یهوه خدای خود را
بشنوی.

خود را برکت یافته بخوانید

اولف اکمن درباره اهداف برکات خدا

مندرجات

- ۱ -- خود را برکت یافته بخوانید! ۴
- ۲ -- شما برای مبارک بودن آفریده شده اید. ۵
- ۳ -- شما دعوت شده اید تا مبارک باشید. ۲۰
- ۴ -- شما باز خرید و فدیہ داده شده اید؛ پس می توانید مبارک باشید. ۲۲
- ۵ -- شما می توانید برکت را برگزینید. ۳۲

۱- خود را برکت یافته بخوانید!

برکت چیست؟ چرا ما این حق را داریم که خود را برکت یافته بخوانیم؟ روح القدس مشتاق است که شما را درکی ژرف تر و بهتر از آن چه واقعاً از فیض خدا یافته اید ببخشد، به گونه ای که در درک آن مرتکب اشتباه نشوید.

شما حق دارید که خود را برکت یافته بخوانید زیرا:

۱. شما برای مبارک بودن آفریده شده اید.
۲. شما دعوت شده اید تا مبارک باشید.
۳. شما باز خرید و فدیة داده شده اید، پس می توانید مبارک باشید.

۴. شما می توانید برکت را برگزینید.

این چیزی نیست که به خودی خود اتفاق افتد؛ بلکه اگر مفهوم برکت را درک کنید، آن را حتماً انتخاب خواهید کرد. این خطر وجود دارد که آن را در صورت عدم درک درست، رد کنید. عیسو برکت خویش را از دست داد و به دور افکند زیرا از برکت درکی ضعیف و سطحی داشت. آن چه خدا به او عطا فرموده بود با هیچ چیز قابل قیاس نبود، لیکن او آن را مغتنم نشمرد. او دل مشغولیهایی گناه آلود خود را بیشتر دوست داشت و بنابراین آن چه را که خدا به او عطا فرموده بود از دست داد. خدا نمی خواهد شما کار عیسو را انجام دهید؛ لیکن اگر درک و فهم روشنی از معنای برکت خدا برای خود نداشته باشید شما نیز مانند عیسو خواهید بود.

۲- شما برای مبارک بودن آفریده شده اید.

پس خدا آدم را به صورت خود را آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید. و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: بارور و کثیر شوید و زمین را پارسازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه ی حیواناتی که بر زمین می خزند حکومت کنید.
(پیدایش ۱: ۲۷ و ۲۸)

این آیات شامل عوامل وراثتی ما یا همان DNA هستند. در حقیقت همان ذات و خمیره ی ماست. آن چه شما در آدم و حوا مشاهده می کنید، طرح اصلی و اولیه است - آن چه خدا در آغاز خلقت انتظار آن را داشت. ولی این طرح دچار کژی و ناراستی گردید - لیکن از طریق عیسا، تمام آن اصالت دوباره به شما باز گردانیده می شود. خدا با دستان مبارک خویش انسان را خلق کرد و شکل داد؛ او دم حیات را به وی دمید و انسان حیات و زندگی یافت.

به یکباره آدم ایستاد، پر از هوشیاری از خلقت خدا. پیش از هر چیز دیگر، او در مرکز توجه خدا قرار گرفت. خدا به انسان نگریست، به خلقت متعالی خویش، و اولین چیزی که انجام داد برکت دادن آنان بود.

خدا نیکوست

کتاب مقدس می گوید که خدا نیکوست. برخی از مردم فکر می کنند که خدا پیوسته در حالت و احساس بدی است. او این گونه نیست. او همیشه در حس و حال خوبی است زیرا می داند چه چیز می خواهد اتفاق بیفتد و آن چیز خوب است. او پیش از شروع دنیا وجود داشته است و پس از انتهای دنیا نیز وجود خواهد داشت. بسیار مهم است که شما نه فقط هنگامه ی سختی، زمانی که کلیسا ره به قهقرا پیموده است، یا زمانی که دنیا آبستن بحران است؛ مرکز توجه خدا هستید. خدا از تمام این چیزها برتر و بزرگتر است. او قادر مطلق و خداوند جاودانی ملکوت است. شما می توانید طبیعت خدا را بشناسید؛ می توانید به قلب او نزدیک شده و ضربان قلب او را بشنوید. شما می توانید بفهمید او به چه شباهت دارد و چگونه می اندیشد. شاید شما فکر کنید هرگز نمی توانید درک کنید نحوه تفکر خدا چیست؛ ولی باید بدانید که قادر به درک این مطلب هستید. کتاب مقدس می گوید ما فکر مسیح را داریم. مسیح عیسا درست همانند خدا می اندیشد، اگر شما تفکر مسیح را داشته باشید، می توانید دریابید خدا چگونه می اندیشد.

خدا به واقع که چه خدای نیکویی است. در رساله یعقوب این حقیقت را می یابیم: "هر بخشش نیکو و هر عطای کامل از بالا است، نازل شده از پدر نورهای آسمان که در او نه تغییری است و نه سایه ی ناشی از دگرگونی." (رساله یعقوب ۱: ۱۷)

این همان خداست.

برکت دادن زندگی است.

خدا به انسان می نگرد و می فرماید: "من تو را برکت می دهم." ما این برکت را بی اهمیت کرده ایم و آن را تبدیل به یک نوازش آهسته و تصنعی و شکل عادی زندگی روزمره خویش نموده ایم. لیکن برکت دادن تنها یک تعارف و خوش و بش نیست. برکت دادن، زندگی ای است که از پدر و از پسر و از روح القدس به سوی انسان جاری می شود. زیرا خدا، خدای نیکویی هاست.

واژه ی برکت دادن در تمام کتاب مقدس به کار رفته است. ملاقات نخست بین خدا و انسان با برکت دادن همراه بود. این برکت دادن توسط خدا شروع شد. او تنها کسی بود که برکت داد و این برکت را توسط فیض خویش اعطا نمود. انسان برای آن تلاشی نکرده بود، لیکن خدا مرد و زن را برگرفت و آنان را در برکت جای داد و با برکت آن ها را پوشانید و پر ساخت.

هنگام خواندن کتاب مقدس خواهید دید که به خاطر سقوط و هبوط انسان؛ دیگر برکت وجود نداشت، بلکه برکت و لعنت با هم بودند. بدون خطا و سقوط، لعنت معنا و جایگاهی نداشت، مبدأ ما برکت بود. نخست برکت پدید آمد با این هدف که ساکن گردد؛ حتا پس از این که لعنت از بین رفته بود. خدا در صلیب درگیر همین لعنت بود. لعنت قانون خدا نبود بلکه برکت قانون الاهی بود. لعنت امتیازی نداشت بلکه رجحان و برتری از آن برکت بود. رساله ی پولس به رومیان به ما می گوید که جایی که گناه زیاده گشت؛ فیض بی نهایت افزون گردید. جایی که گناه و مصیبت و اندوه فراوان است، دقیقاً همان جایی است که خدا برنامه ریزی

کرده تا فیض اش بیشتر و بیشتر افزون گردد. متمرکز این نشوید که هر چیزی چه قدر مصیبت بار و تلخ است، بلکه از مصیبت به عنوان یک شاخص در راستای شناخت این که هر چیز می تواند چه قدر باشکوه و عالی باشد استفاده کنید. خدا تصمیم گرفته تا برنده شود. او می خواهد برکاتش را به شما اعطا کرده و شما را از برکت خود لبریز و سیر گرداند.

نیکویی خدا در کنش و کردار

بالاخره برکت چیست؟ جان کالون گفته است که: "برکت خدا، نیکویی او در کنش و کردار است که از طریق آن ثروت و غنای هر چیز نیکو از بالا به طرف ما سرازیر می گردد" نیکویی، شخصیت و ذات خداست و او بر اساس ذات خویش عمل می کند. خدا نیکویی خود را به وسیله ی اجازه دادن به تسری و تجری فراوانی و وفور هر چیز نیکو بر ما و سپس از طریق ما، به خاطر برکت دادن نشان می دهد. هنگامی که شما شروع به درک مفهوم برکت می کنید، خواستار دریافت این برکت می گردید. حقیقت این است که اگر شما یک مسیحی هستید، از پیش این برکت را دارید، اما باید مملو از آن بوده و بخواهید که توسط آن برکت احاطه شوید. شما نمی توانید یک زندگی بی تفاوت و یا متمرکز بر چیزهای نادرست داشته باشید. آن چه که توجه شما را به خود جلب کند، خواهد توانست خود شما را هم به سوی خویش جلب کند. اگر مصیبت و تلخکا می تنها چیزی باشد که توجه شما را معطوف خود کرده، شما مقهور و منکوب همان مصیبت و تلخی خواهید شد. اما

اگر برکت توجه شما را به خود جلب کرده است، همان برکت شما را به سوی خود خواهد کشید. آن چه خدا آشکار ساخته و می فرماید باید برای شما جذاب باشد. اجازه ندهید روزمرگی و پروا و دلواپسی هر روز شما را از ژرفای ثروت و توانگری و مکاشفه ی همه چیزهای خوبی که خدا از آن ها صحبت فرموده است بیرون آورده و منحرف سازد. نگرانیهای هر روزه شما خواهند گفت: "آری، این فقط یک فرضیه است. به خاطر داشته باش که چگونه چیزهای زیادی است که نگران آن ها هستی." باید خلاف این را بگویید: "این اعتراضات و مخالفت های من هستند که فرضیه و تئوری می نمایند. حقیقت و واقعیت عیسا مسیح است. عیسا همان کسی است که من به او تعلق دارم. او همان کسی است که من با او مشارکت داشته و خواهان پیروی او هستم و این برکت اوست که من در زندگی به آن احتیاج دارم."

انتقال و پراکندن حیات

هر گاه که درباره بخشش، مصالحه، اصلاح مجدد، رستگاری، تولد تازه و برکت یافتن صحبت می کنیم، واژه ی کلیدی "زندگی" است. عیسا آمد تا زندگانی را به وفور به ما اعطا فرماید. (انجیل یوحنا ۱۰ : ۱۰). همه چیز به زمانی بر می گردد که خدا نفخه ی حیات را به انسان دمید. انسان حیات یافت و خدا به این حیات با برکت صحنه گذاشت و آن را با برکت مهر کرد و فرمود: "این زندگی نیکوست." ما این حیات را به خاطر سقوط و هبوط از دست داده ایم، لیکن آن را از طریق عیسا مسیح باز یافته ایم.

هنگامی که ما عیسا مسیح را دریافت کرده و تولد تازه می یابیم، حیات نوین را دوباره یافته ایم. این حیات مبارک، زندگی جدید است که خدا به ما بخشیده است. برکت دلالت بر انتقال و پراکندن حیات کرده و به ویژه بر حیات الاهی دلالی دارد. کتاب مقدس واژه های گوناگونی را برای حیات و زندگی بکار می برد. Bios زندگی ملموس و فیزیکی است؛ Psyche حیات روحانی است و Zoe حیات جاودانی یا وافر است. برکت و موهبت خدا دلالتی ضمنی بر انتقال به هم پیوسته و تنگاتنگ آن حیاتی است که از شخصی به شخص دیگر منتقل می گردد، در این وضعیت از خدای قادر مطلق به شما از طریق عیسا مسیح انجام می گیرد. زندگی، خوب و خوش بودن را مشخص و معنا دار می نماید که متضاد و مخالف مرگ و نیستی است. یک باغ پر از گل متضاد بیابان و صحراست. آب و دریاچه ها متضاد زمین بایر و تشنه و خشک است. با استفاده از تصویری که کتاب مقدس در اختیار ما می گذارد، برکت یعنی ما از زمین خشک و بی آب و علف به باران و تازگی برویم و از صحرا به باغی پر از گل وارد بشویم. هر چه در زندگی شما خشکیده و مرده است، با برکت تازه و زنده خواهد شد. هر چه در زندگی شما ویران شده است، از نو ساخته خواهد شد. هر کسادی و خشکی در زندگی شما تبدیل به رونق و گرمی و تازگی خواهد گردید. بذرهایی زیادی در درون شماست که ممکن است برای مدت طولانی نهفته و راکد باشند، اما برای آنان هیچ اتفاقی نخواهد افتاد زیرا که شما در بیابان و صحرا هستید. هنگامی که این بذرها لمس خدا - باد ملایم او و باران تازه کننده او - را تجربه می کنند، هدایا و عطایایی که او در درون شما

گذاشته است شروع به باور گشتن و متبلور شدن می کنند. و شما تنها شخصی نخواهید بود که تجدید حیات یافته است. هنگامی که زندگی آغاز به جاری شدن و تسری می نماید، شما مسیر و مجرای تازگی و احیاء برای بسیاری خواهید بود.

ترقی و پیشرفت برای هر نسل

حیات جاویدی که خدا به ما در برکت می بخشد؛ نیازمند خوب بودن، وفور، رشد و گسترش و تکثیر، صلح و سلامتی، و مشارکت صمیمی با خود اوست. او برنامه ریزی کرده تا حیات و برکتی که به شما بخشیده؛ از نسلی به نسل دیگر افزایش و تزايد پیدا کند. او این برکت را در ابتدا فقط با دو نفر شروع کرد؛ لیکن ما دیگر فقط دو نفر نیستیم. در عوض، ما به نسلهای فراوان و گوناگونی افزایش پیدا کرده ایم.

"مفید و پر ثمر بشوید."

برخی از مردم از اینکه برکت واقعاً چیست تعجب می کنند. اجازه دهید یکبار دیگر کتاب پیدایش ۱: ۲۸ را بخوانیم و ببینیم خدا چه می فرماید.

خدا نفس حیات به انسان دمید و روح حیات را بر ایشان گسترد و سپس فرمود: ۱- "بارور شوید." ۲- "کثیر شوید." ۳- "زمین را پر سازید." ۴- "بر آن تسلط یابید."

خدا با شما صحبت کرده و می فرماید: "بارور شوید." سپس توانایی میوه آوردن از طریق روح القدس به شما عطا می گردد.

بارور شدن به معنای میوه آوردن است. اجازه ندهید که نگرانیها، بیماریها و ضعفها، یا حملاتی که بر علیه شما وارد می شوند؛ این مکاشفه پر جلال را از شما بر بایند. خدا می خواهد به شما برکت عطا نماید. هیچ مقاومتی بر علیه برکت در آدم وجود نداشت، لیکن ما این قدرت را داریم که بر علیه آن ایستادگی کنیم؛ زیرا ما بدنی گناه آلود داریم. در نتیجه برکت خدا می تواند از ما بگذرد. لیکن این برکت از آدم نگذشت؛ برکت خدا مستقیماً به درون او وارد شد. حال شما در آدم جدید که عیسا مسیح است؛ قرار دارید و این برکت مستقیماً می تواند به درون قلب شما وارد گردد.

خدا می فرماید: "بارور شوید." و این بدان معناست که شما بایستی کثیر شوید. همه چیز باید بیشتر شود و نه کمتر. نقشه اولیه خدا برای ما؛ بارور شدن بود، و هنگامی که فهمیدیم که ما بارور هستیم؛ پس در نتیجه بارور بودن، کثیر و زیاد می شویم. بارور شدن از توانایی صحبت می کند و کثیر شدن؛ گفتمان روند و طی مرحله است. یک؛ تبدیل به دو می شود، دو به چهار و چهار تبدیل به هشت و اینست معنای تکثیر و تزايد. عوامل و حاملهای وراثت روحانی ما می گویند که ما بارور هستیم و برآنیم که کثیر و زیاد شویم.

"زمین را پر سازید."

این ازدیاد و تکثیر کجا انجام می گیرد؟ خدا فرموده است: "زمین را پر سازید." این بدان معناست که خدا تمام این سیاره و کره خاکی را به ما بخشیده است. این موضوع برای منش فکری ما

کاملاً بیگانه و غریب است. ما بگونه ای کاملاً متفاوت می اندیشیم. ما یک ناسازگاری و مغایرت فرهنگی را با روش فکری کتاب مقدس و یهودی مآبانه تطبیق داده ایم؛ لیکن بایستی ما این دیوارهای جدا کننده در فکر خویش را ویران کنیم و شروع به تفکر بر پایه کتاب مقدس نماییم. همانگونه که پولس رسول می گوید: "تمام دنیا به من تعلق دارد." شاید شما بگویید: "ممکن است این برای آن مبشر بزرگ جهانی صحیح باشد؛ اما بکار من نمی آید و مربوط به من نیست." لیکن این موضوع اصلاً به جایی که شما زندگی می کنید و اینکه فکر می کنید چقدر کوچک و حقیر هستید؛ ارتباط و بستگی ندارد. خدا برکت را برای شما طرح ریزی کرده است.

از آنجا که ما به خودمان، آنهم از روشی کاملاً بی معنی فکر می کنیم؛ بسیاری از اوقات فقط خود را می بینیم: "من واقعاً هیچکس نیستم؛ و هیچ چیز ندارم جز مشکلات گوناگون." من اصلاً انکار نمی کنم که شما مشکلات و دلمشغولی ندارید، هم ما این چیزها را داریم. لیکن هرچه بیشتر با خدا مشارکت نمایید؛ بیشتر از خدا برکت خواهید یافت. تصور کنید که برکت با جان شما بیگانه است؛ لیکن با روح شما که بیگانه نیست.

آن انسان درون شما می گوید: "آمین، این دقیقاً همان چیزی است که باید باشد." جان شما می گوید: "این نمی تواند حقیقی باشد؛ چگونه ممکن است چنین اتفاقی بیفتد؟"

لیکن آن شخص درون شما می گوید: "تو بارور هستی. تو رشد خواهی کرد؛ تو کثیر خواهی شد. در تمام دنیا گسترش خواهی یافت." این آن چیزی است که روح القدس به شخص ساکن

در درون شما می گوید، اما شما می توانید آن را رد کرده و پس
بزنید.

نپذیرفتن می تواند کلام خدا را از شما بر بایند

روش شیطان ایجاد احساس رد کردن و نپذیرفتن است که از طریق آن احساس، شما نقشه و برنامه خدا را رد می کنید. نپذیرفتن و رد کردن چیزی است که همه ی مسیحیان آن را تجربه می کنند. همیشه کسی خواهد بود که شما را دوست نداشته و کسی که شما را نمی پذیرد. اگر شما نپذیرفتن را به خود راه دهید، این معضل بر زندگی شما چیره خواهد گشت. اگر شما در رودرویی و برخورد با این نپذیرفتن شکست بخورید و نتوانید اثرات آنرا خنثی کنید، این احساس در شما رشد کرده و در درون شما فریاد خواهد کشید که: "نه؛ این نقشه خدا نیست." قبول نداشتن جلوی باور شما را مبنی بر اینکه می توانید بخشی از برنامه خدا باشید، با گفتن این که به اندازه کافی خوب نیستید، خواهد گرفت. از این رو شما می بایست همین حالا نپذیرفتن را درهم بشکنید تا از نپذیرفتن کلام خدا که بر شما می آید جلوگیری کنید.

هنگامی که خدا با ما صحبت می فرماید، ما اغلب همان واکنش مریم را نشان می دهیم. جبرئیل فرشته مریم راملاقات کرد و به او گفت که آبستن شده و پسری خواهد زاید، پسر حضرت اعلی. اولین واکنش مریم، واکنشی انسانی و بشری بود: "چگونه چنین چیزی ممکن است؟" لیکن پس از آن این امر اگرچه

غیر ممکن بنظر می رسید؛ اما مریم گفت: "مرا بر حسب سخن تو واقع شود." هنگامی که کتاب مقدس را می خوانید، چیزی مشابه همین بر شما واقع می گردد. روح القدس چیزی به شما می فرماید و شما می اندیشید: "خیر، این چیز نمی تواند برای من واقع گردد. نه این برای من نیست؛ چگونه این سخن ممکن است به انجام رسد؟ چگونه این امر ممکن است؟" اما اگر شما نپذیرفتن خود را رد کنید یا در مقابل آن بایستید و بگویید: "خدا با من سخن گفته و فرموده است که این است آن چه من باید باشم، پس می تواند این گونه باشد." سپس به جای رد کردن و نپذیرفتن کلام، توصیه و نقشه های خدا، شما آن ها را خواهید پذیرفت.

جسم خواهان نپذیرفتن کلام خداست

به یاد می آورید جاسوسانی را که خدا به سرزمین موعود فرستاد؟ (اعداد ۱۳). آنان دیدند که آن سرزمین بسیار نیکوست، اما زبان به غرغر و بدخواهی گشودند. آنان حتا در مورد آن سرزمین دروغ گفتند زیرا نمی توانستند نیکویی و بزرگی خدا را بپذیرند و قبول نمایند. در رساله پولس به رومیان می خوانیم که این نیکویی خداست که ما را به توبه می کشاند. برکت و نیکویی خدا می فرماید: "این است آن چه من برای تو طرح ریزی کرده ام."

شما می گویید: "نه، نمی تواند این گونه باشد."

خدا می فرماید: "بله، این همان برنامه ریزی من برای توست."

لیکن شما می گویید: "نه، نمی تواند این گونه باشد."

حال دیگر این تنها عدم پذیرش نیست، بلکه طغیان و گردنکشی نیز هست. جسم می گوید که این کار بسیار مشکل است. به جای اعتماد به خدا شما تنها می خواهید به دنبال احساس عدم پذیرش خود بروید. لیکن این تمایل تنها در نتیجه ی نپذیرفتن نیست. این موضوع همچنین به خود ما، جسم ما و اراده ما نیز بستگی دارد. شما نمی توانید همه چیز را به گردن شیطان انداخته و تنها او را سرزنش و نکوهش کنید.

در جسم ما چیزی است که همیشه می خواهد با گفتن این که: "باید بهایی بیش از این پرداخت. خواسته های من بسیار بزرگ هستند. حال خدا از من بیش از اندازه انتظار دارد" با نقشه خدا مقاومت نماید. اما ما نمی خواهیم با برنامه ها و نقشه های خدا بیدرنگ و آشکارا مقاومت نماییم، پس با زیرکی از این قالبها فرار کرده و می گوییم: "آیا واقعاً منظور خدا من ناچیز هستم؟" این پوزش کوچک و فروتنانه که ترکیبی از تمرد و عصیان جسمی و عدم پذیرش است، ما را از چیزهایی بزرگی که خدا بر انجام آن ها امر فرموده است، دور می سازد. ما به خود نگاه کرده و با دانستن تمام اشتباهاتی که انجام داده ایم، فکر می کنیم که این وعده ها آن قدر هم باشکوه و جالب نیستند. اما چیز با شکوه این است که این وعده ها هر جایی می توانند باشند، زیرا برکت بر انسان بنا نشده است، بلکه مبنای آن خود عیسا مسیح است. ما بخاطر او برکت یافته ایم.

بارور و مثمر بودن

شما آفریده شده اید تا مبارک باشید. هیچ هزیمت و شکستی در چرخه روحانی شما نیست، شما خلق شده اید تا پیروزمند باشید. شما آفریده نشده اید که ملعون باشید، بلکه تنها برای این آفریده شده اید تا مبارک باشید. شما خلق شده اید که شخصی بارور و مثمر ثمر باشید، شخصی که کثیر شده و دنیا را پر می سازد.

شما نیاز دارید که بگویید: "بلی ای خداوند، این من هستم. حتماً اگر مورد حمله قرار گیرم و در زندگی مشکلات فراوان داشته باشم، هنوز هستم. من یک شخص بارور و مفید می باشم. من به خاطر برکت خدا بارور هستم، و تصمیم دارم زمین را پر ساخته و رو به تزاید روم." اگر شما این حرفها را نزنید، خدا شخصی دیگر را برای این منظور پیدا خواهد کرد. اگر بگویید: "ای خداوند، من در خدمت هستم." باروری را تجربه خواهید کرد و تزاید را نیز؛ و خدا دردرون شما چیزی را به ودیعت خواهد گذاشت که نیرویی بالقوه برای ازدیاد و تکثیر در تمام زمین است.

سپردن جسم به مرگ

بدن و جسم شما مناظره و منازعه ای بر علیه وعده ی برکت خواهد داشت. لیکن شما باید جسم خویش را منکوب و ذلیل ساخته و آنرا به مرگ بسپارید. (رومیان ۸ : ۱۲ و ۱۳). کاهن عهد عتیق نمی توانست به معبد بیاید مگر اینکه مانند صبح تروتازه باشد. آنان مجبور بودند ابتدا استحمام کرده و خویشتن را پاک

سازند و سپس قربانی را بر مذبح گذارند. آنان نمی توانستند پوشاک شخصی خود را بپوشند، بلکه پوشاک و ردای کهانت را می پوشیدند و اعمالی را به نمایش می گذاشتند که خدا با تمام جزئیات به آنان نشان داده بود. آنان برای خود تصمیم نمی گرفتند که این مراسم چگونه باید برگزار گردد.

کاهنان سه کار انجام می دادند:

۱. خدا را برای همیشه بندگی و پرستش می کردند.

۲. مردم را تعلیم می دادند.

۳. هر روزه قربانیهای مختلف را می گذرانیدند.

به زبانی دیگر آنان بعنوان یک کاهن مجبور بودند تا جس می زنده را هر روزه به مرگ بسپارند. شما نیز یک کاهن هستید. شما نمی توانید هر موقع که سرخوش هستید و هرگاه که خواستید به حضور خدا بیایید.

شما باید تطهیر و پاک شده باشید. شما نمی توانید در حضور و درگاه خدا با اهمال و مسامحه پرسه بزنید و وقت گذرانی کنید. شما برای قربانی گذراندن خود، عبادت، پرستش و جلال دادن خدا به درگاه وی می آید. شما می آید تا کلام خدا را دریافت کرده و سپس به دیگران منتقل نمایید.

شما همچنین بدنی زنده هستید که باید هر روزه برای خدا ذبح و قربانی شود. فصل هشتم رساله پولس به رومیان به ما می گوید که ما باید بدنهای خود را به مرگ بسپاریم. هنگامی که جسمانیت در درون شما سر برافراشته و می گوید: "این نمی تواند حقیقت داشته باشد. خدا این قدرها هم باشکوه نیست؛ نمی تواند این قدر فیض و برکت وجود داشته باشد، ممکن است که این

چیزها برای دیگران باشد نه برای من" این زمانی است که باید این دروغ جسمانی کشته شود. این همان چیزی است که عیسا برای شما فرموده است.

۳- شما دعوت شده اید تا مبارک باشید.

شما فرا خوانده شده اید تا مبارک باشید. شما می بایستی به کاری مبادرت ورزید که برای انجام آن خوانده شده اید. خدا ابراهیم را از شهر کلدانیان (اور کلد) به بیرون فرا خواند. "و خداوند به ابرام گفت: از ولایت خود و از مولد خویش و از خانه ی پدر خود به سوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو، و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم و نام تو را بزرگ سازم و تو برکت خواهی بود. و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند و لعنت کنم به آن که تو را ملعون خوانند و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت." (پیدایش ۱۲: ۱-۳)

این همان برکت ابراهیم است. نکته ی باشکوه و زیبا این است که او نمونه و الگوی ما به عنوان پدر ایمان و ایمانداران است. برکت ابراهیم میراث ماست. او نه تنها برای برکت آفریده شده بود، بلکه خوانده شده بود تا مبارک باشد. شما نیز دعوت گشته اید تا مبارک باشید. در نتیجه برای ورود به برکتی که برای آن خوانده شده اید، چیزهایی است که شما مجبور به "بیرون آمدن" از آن ها هستید. خدا شما را دعوت می کند: "اگر تو به طرف من بیایی و آن چه را به تو گفته ام انجام دهی، آن زمان حیات، آرامش، بلوغ، بالندگی، گسترش، برکات و فراوانی بر تو خواهد آمد. پس بیرون آی و در نتیجه می توانی به دعوت و فراخواندگی خویش نائل آیی."

ما فرا خوانده شده ایم تا در برکات خدا راه رویم. خدا به ابراهیم فرمود که او برکت یافته است. برای شما نیز این گونه است. ابراهیم تنها برکت را نیافت بلکه او خود نیز برکت بود. از طریق او تمام دنیا می تواند برکت یابد. هیچ محدودیتی نیست بر این که برکت در زندگی او چه قدر گسترش یابد. برای شما نیز همین رویه قابل اجراست.

۴- شما باز خرید و فدیة داده شده اید،

پس می توانید مبارک باشید

شما باز خرید و کفاره گشته اید، پس می توانید مبارک باشید. "مسیح به جای ما لعن شد و این گونه ما را از لعنت شریعت باز خرید کرد، زیرا نوشته شده که هر که به دار آویخته شود ملعون است. او چنین کرد تا برکت ابراهیم در مسیح عیسا نصیب غیر یهودیان گردد، و تا ما آن روح را که وعده داده شده بود، از راه ایمان دریافت کنیم." (غلاطیان ۳: ۱۳ و ۱۴)

عیسا مسیح به خاطر گناهان ما به جای ما لعنت شد، بنابراین برکت ابراهیم، که میراث از نسلی به نسل دیگر است، می تواند بر ما آمده و قرار گیرد. عیسا مرد که شما بتوانید خود را مبارک بخوانید. شما برای مبارک بودن آفریده شده اید. شما دعوت شده اید تا مبارک باشید. لیکن شخصی مجبور بود که شما را برای خود باز خرید کرده و فدیة دهد تا قادر باشید در آن برکت قرار بگیرید. و این همان کاری است که عیسا آنرا انجام داده است. او ما را از لعنت کفاره و فدیة داد. او هنگامی که برای ما مرد، گناه، تقصیر، شرم و مرگ را بر خویشتن حمل نمود. او تمام نکبت و تیره روزی را بر خود گرفت. او لعنت را بر خود پذیرفت. او نه تنها آن ها را بر خود گرفت بلکه خود لعنت شد که برکت ابراهیم بتواند بر امتها و غیر یهودیان نیز قرار گیرد و شما بتوانید "بیعانه ی روح" را بیابید.

هدف برکت همانا روح است. روح، حیات جاودانی و وافر است. بکوشید تا در روح سرگرم شده و رفتار نمایید و نه بر پایه ی خواسته های جسم. خدا آن چه را که روح در خود داشت بر آدم دمید، و همان روح از طریق عیسا مسیح به شما اعاده می گردد. هدف اینکار این بود که شما نه تنها برکت را برای زمانی زودگذر تجربه کنید، بلکه بتوانید خود مبارک باشید. این بدان معنا نیست که گاهی به حضور خدا آمده و بخشش یابیم. خدا می خواهد شما با او راه رفته و آرامش و فیض او را داشته باشید. او می خواهد با شما صحبت کرده و درهای ملکوت را بر شما بگشاید. آن چه خدا به پسر محبوب خود فرموده، می خواهد به شما نیز بگوید، زیرا شما در پسر محبوب او قرار گرفته اید. او با شما صحبت کرده و می فرماید: "تو فرزند دوست داشتنی و عزیز من هستی که از او خشنودم." ملکوت بر روی شما گشوده شده است و شما مبارک هستید.

بهای جنگ

قدرت عظیم و مهیبی در برکت نهفته است. برکت طومار لعنت را درهم می نوردد. برکت واقعاً قدرتمند است و بسیار توانا تر از هر لعنت. بالاق مشاهده کرد که قوم اسرائیل نیرومند و قوی هستند، لیکن آنچه در حیطة درک او نمی گنجید این بود که آنان به این دلیل زورآور هستند که خدا آن ها را برکت داده است. (اعداد ۲۳). به علاوه او کوشش کرد تا بلعام را ترغیب کند که اسرائیل را لعنت کند تا بتواند آنان را شکست دهد. او می دانست

که اگر بلعام اسرائیل را لعنت کند نتیجه چه خواهد بود. او گفت: "می دانم که هر که را برکت دهی مبارک خواهد بود و هر که را لعنت نمایی ملعون خواهد بود." بالاخره بلعام فریفته شده و رضا بدین داد که به خاطر پیمان و وفای به عهد رفته و آماده شده تا اسرائیل را لعنت نماید. لیکن خدا اجازه چنین کاری را نمی داد و آن چه از دهان بلعام صادر می گشت برکت و تحیت بود. بالاق از بلعام عصبانی شده بود زیرا که قدرت برکت را درک کرده بود. او می دانست که این ها صرفاً کلماتی نیستند که بر زبان جاری می شوند؛ بلکه تجری حیات از آسمان است زیرا که پیامبر خداوند صحبت می کرد. بالاق در ادامه گفت: "از برکت دادن آنان باز ایست." بلعام در پاسخ گفت: "من هیچ چیز دیگری نمی توانم انجام دهم. تنها کاری را که خدا به من امر فرموده است انجام می دهم؛ به علاوه، چه کسی می تواند آن چه را که خدا برکت داده لعنت نماید؟"

برکت چیزی عالی و باشکوه است، زیرا با تمام زندگی شما مرتبط است. برکت بسیار دلپذیر و جذاب است زیرا با ابدیت مرتبط است. برکت جالب است چون از جانب خدا می آید. برکت مقصد و هدف زندگی شماست. بسیار با ارزش است که برخی از مردم مهبیای آنند که برای برکت یافتن هر چه می توانند بکنند. یعقوب با مهارت دست به کار این امر شد. در تمام شب او با فرشته ای کشتی می گرفت که بتواند جانی تازه بیابد و بتواند افزوده شده و این چیزها در زندگی اش دایمی باشد. "پس گفت مرا رهاکن زیرا که فجر می شکافد گفت تا مرا برکت ندهی ترا رها نکنم." (پیدایش ۳۲: ۲۶)

در این جا مردی را با یک امر الزام آور و محتوم مشاهده می کنیم. وضعیت غم انگیز مسیحیت امروزه این است که ما دیگر احساس اضطرار و وجوب را در خود نداریم. ما نمی خواهیم برای مدت طولانی دعا کنیم؛ نمی خواهیم با آواز بلند سرود بسرائیم؛ نمی خواهیم با صدای بلند ناله و گریه کنیم و نمی خواهیم به جاهای دورتر رویم. ما در سرزمین میانگین و حد وسط زیست می کنیم، جایی که می خواهیم هیچ چیز بیش از اندازه زیاد و هیچ چیز بیش از اندازه کوچک نباشد. چیزی در حد وسط برکت وجود ندارد. یا برکت وجود دارد یا لعنت حکم می راند.

پرسش این است که کدام را شما می خواهید؟ اگر برکت را نمی خواهید، از شما گرفته خواهد شد و آن را از دست خواهید داد. اگر برکت را برای بخشی از زندگی خویش می خواهید باید دقیقاً مانند یعقوب رفتار نمایید: برای برکت بجنگید. نمی توانید آن را بخرید. برکت توسط فیض می آید، اما با وجود این شما هنوز می باید برای کسب آن مبارزه نمایید.

۵- شما می توانید برکت را انتخاب نمایید

شما باید این برکت را در زندگی خود توسط ایمان به کار اندازید. این گفته بدان معناست که شما باید فعالانه برکت را بر گزینید. فصول ۲۸ تا ۳۰ کتاب تثنیه در ارتباط با برکت و لعنت است؛ به ویژه فصل ۲۸ که مرتبط با برکت در داخل شدن و بیرون آمدن شما، در خانه و انبار شما، در زمین و مزرعه، در شهر و کشور و غیره است. در تمام این حیظه ها و بیشتر از آن، برکت برای شماست. در فصل ۳۰ بعد از تمام برکت ها و لعنت هایی که برای خاندان اسرائیل خوانده شده است، موسا به نمایندگی و از قول خدا سخن می گوید: "امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می آورم که حیات و موت و برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم پس حیات را برگزین تا تو با ذریتت زنده بمانی." (تثنیه ۳۰ : ۱۹)

موسا از این صحبت کرده که برکت چیست و خلاصه کرده و می گوید: برکت، زندگی است. برکت حیاتی است که از ملکوت منتقل می گردد. حال به عهده ی شماست که آن را برگزینید. اگر آن قدر ناآگاه هستید که نمی دانید چه را انتخاب کنید، از طرف خدا این فرصت به شما داده شده است که "زندگی را برگزینید". او می خواهد به مردم کمک کند، زیرا گاهی آنان ک می گیج و گمراه هستند. ما هم می توانیم گمراه و سرگردان باشیم. او زندگی و مرگ را فراروی ما قرار داده است و می فرماید: "زندگی را انتخاب نمایید". این تصمی می است که باید فعالانه اتخاذ کنیم. خدا می فرماید: "من تو را برکت می دهم. من دستانم را بر هر چه داری

و هر چه می توانی انجام دهی دراز کرده ام تا آن ها را برکت دهم. من ملکوت را بر تو می گشایم. حتا اگر در تمام اطراف تو صحرا و بیابان باشد، برای تو خشکی و برهوت نخواهد بود. اگر هر کس دیگر تشنه باشد، تو تشنه نخواهی گشت. حتا اگر هر کس دیگر گمراه و سرگردان باشد، تو به بیراهه نخواهی رفت. اگر هزاران نفر به جانب تو افتند، تو نخواهی افتاد. برکت من بر زندگی تو ساکن شده است."

تصمیمی پویا بگیرید-در باره برکت صحبت کنید

خدا در انتظار پاسخ است، و پاسخی که او می خواهد این گونه نیست: "خوب، این از مرحمت و نجابت شماست، بسیار سپاسگذارم." خیر، شما مجبور هستید تصمیمی فعالانه برای انتخاب برکت گرفته و بگویید: "عیسا کسی است که برکت می دهد. امروز من آن چه را خدا روی صلیب به من داد، هنگامی که عیسا برای من لعنت شد که تا برکت ابراهیم بتواند بر غیر یهود نیز آمده و ما بتوانیم روح القدس را دریافت کنیم، می پذیرم. این آن چیزی است که من امروز بر می گزینم. من حیات و زندگی را انتخاب می کنم. من آن چه را خدا می فرماید بر می گزینم. من برای برکت خلق شده ام. من همان چیزی را انتخاب می کنم که ابراهیم برگزید. من شهر کلدانیان را ترک می کنم. من خوانده شده ام تا مبارک باشم. من آن چه را که عیسا برایم انجام داده انتخاب می کنم. من باز خرید شده ام، پس می توانم مبارک باشم. من برکت را انتخاب می کنم."

برکت به شما داده شده است، اما شما خود باید آن را دریافت نمایید. شما درباره برکت شنیده اید، لیکن بایستی بگویید آن برکت متعلق به شماست: "خانواده ی من مبارک است، زندگی من مبارک است، آینده ی من مبارک است، برنامه ها و نقشه های من مبارک است، کلیسای من مبارک است، کشور من مبارک است. اهمیت ندارد که ظاهر هر چیز در حال حاضر چیست، من برگزیده شده ام تا در مورد برکتی که دارم صحبت کنم."

برکت هارون از برای ماست

"و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون و پسرانش را خطاب کرد بگو به اینطور بنی اسرائیل را برکت دهید و به ایشان بگویید: یهوه تو را برکت دهد و تو را حافظت نماید. یهوه روی خود را بر تو تابان سازد و بر تو رحمت کند. یهوه روی خود را بر تو برافزارد و تو را سلامتی بخشد. و نام مرا بر بنی اسرائیل بگذارند و من ایشان را برکت خواهم داد." (اعداد ۶: ۲۲ - ۲۷)

نام خدا مبین و معرف حضور و قدرت اوست و نیز هر چه که در قالب وی می گنجد. خدا به کاهنان فرمود: "اسم مرا بر مردم قرار دهید و آنان را برکت دهید. اگر آنان عملاً این برکت را دریافت دارند، آنان در این برکت راه رفته و در آن زندگی خواهند کرد و این برکت، زندگی آنان را تبدیل خواهد نمود." رساله ی پولس به افسسیان ۱: ۳ می گوید که ما به هر برکت روحانی در جای های آسمانی در مسیح مبارک هستیم.

برکت هارون در عهد عتیق متعلق به ما نیز هست. ما می دانیم که این برکت از طریق صلیب به ما منتقل گشته است. با وجود این، ما مجبور به پذیرش آن هستیم. ما مجبوریم که به این برکت اجازه دهیم تا در نام عیسا بر ما قرار گیرد. این برعهده ی ما گذاشته شده تا این برکت را برگزیده و زندگی کردن در آن را انتخاب نماییم. اگر ما برکت را برگزینیم، حیات، وفور، تازگی، برکت، شباهت با خدا، مشارکت، قوت، حضور روح القدس، نقشه های خدا، مثمر ثمر بودن و گسترش برای ما به واقعیت خواهد پیوست.

حسادت نکنید

شما می توانید به زندگی خویش نگاهی افکنده و بگویید: "من مبارک هستم. من در جایی دیگر بودم، لیکن الان در این مکان قرار گرفته ام. من هم کار یعقوب را انجام دادم. هنگامی که همه چیز را ترک کردم، تمام چیزی که داشتم فقط یک چوبدستی بود، لیکن الان مالک دو گروه شده و برگشته ام. (پیدایش ۳۲ : ۱۰) من مبارک هستم. من هیچ نداشتم و این قدر نمی فهمیدم. حال من چیزهای زیادی دارم و بسی بهتر درک می کنم. من برکت یافته ام. من قادر به دریافت ظرفیت حیات بخش خدا در تمام قسمت های زندگی خود می باشم."

"دزد نمی آید جز برای دزدیدن و کشتن و نابود کردن؛ من آمده ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره مند شوند." (انجیل یوحنا ۱۰ : ۱۰) اگر این را درک کنید، زندگیتان تبدیل

خواهد شد. شما به گونه ای متفاوت خواهید اندیشید. شما به خود به عنوان شخصی در خارج و بیرون قلمرو خدا فکر نخواهید کرد. شما خواهید دانست که دیگر در داخل ملکوت وی هستید. شما دیگر برای انتقاد کردن به هر سوی نخواهید رفت.

ت. ل. آذربورن. (واعظ و مبشر برجسته) گفته است: "شخصی که در آشتی و مصالحه آزادی را یافته است، بر کسی حسادت نمی کند." شخص آزاد، از اتفاقات عالی و باشکوه برای دیگران خشنود شده و از آن احساس ترس و نگرانی برای موقعیت خود نمی کند. او می تواند بگوید: "من از پیش برکت یافته هستم، بنابراین خوشحال خواهم بود هنگامی که برکت در هر جای ممکن بر مردم جاری می شود. من حسود نخواهم بود، زیرا من مبارک هستم." این کار چیزی برای احساسات انجام نمی دهد. این یک تصمیم است. آگاهانه برکت را برگزینید. در را بر روی لعنت ببندید. شما نیازی به پذیرش لعنت ندارید. عیسا ما را به هر برکت روحانی در جای های آسمانی مبارک فرموده است.

بر روی حقیقت برکت دادن و برکت یافتن بایستید آن گاه خواهید توانست برکت را به اطرافیان تن منتقل نمایید. هنگامی که شما شخصی را برکت می دهید، در واقع شما به او زندگی، سلامتی، گسترش، ثروت، فیض، آرامش، وفور و مشارکت با خدا را انتقال می دهید.

دریافت برکت

”و تما می این برکت ها به تو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت اگر آواز بیهوه خدای خود را بشنوی. در شهر مبارک و در صحرا مبارک خواهی بود. میوه ی بطن تو میوه ی زمین تو میوه ی بهایمت و بچه های گاو و بره های گله ی تو مبارک خواهند بود. سبد و ظرف خمیر تو مبارک خواهد بود. وقت در آمدنت مبارک و وقت بیرون رفتنت مبارک خواهی بود. و خداوند دشمنانت را که با تو مقاومت نمایند از حضور تو منهزم خواهد ساخت از یک راه بر تو خواهند آمد و از هفت راه پیش تو خواهند گریخت. خداوند در انبارهای تو و به هر چه دست خود را به آن در از میکنی بر تو برکت خواهد فرمود و ترا در زمینی که بیهوه خدایت به تو می دهد مبارک خواهد ساخت. و اگر او امر بیهوه خدای خود را نگاهداری و در طریق های او سلوک نمایی خداوند تو را برای خود قوم مقدس خواهد گردانید، چنان که برای تو قسم خورده است. و جمیع امت های زمین خواهند دید که نام خداوند بر تو خوانده شده است و از تو خواهند ترسید. و خداوند تو را در میوه ی بطنت و ثمره ی بهایمت و محصول زمینت در زمینی که خداوند برای پدرانت قسم خورد که به تو بدهد به نیکویی خواهد افزود و خداوند خزینه ی نیکوی خود یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود تا باران زمین تو را در موسمش بباراند و تو را در جمیع اعمال دستت مبارک سازد و به امتهای بسیار قرض خواهی داد و تو قرض نخواهی گرفت و خداوند تو را سر خواهد ساخت نه

دم و بلند خواهی بود فقط نه پست اگر او امر یهوه خدای خود را که من امروز به تو امر می فرمایم بشنوی و آن ها را نگاه داشته به جا آوری و از همه ی سخنانی که من امروز به تو امر می کنم به طرف راست یا چپ میل نکنی تا خدایان غیر را پیروی نمود آن ها را عبادت کنی." (تثنیه ۲۸ : ۱-۱۴)